**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

**چند مثال ذیل نکتۀ دوم**

نکتۀ دوم در مبحث شرایط جریان احتیاط این بود که گفتیم احتمال تکلیف که موجب حسن احتیاط می‌شود باید احتمال عقلایی باشد احتمال ساقط در نزد عقلاء نباشد. لذا عنوان می‌کنیم در مواردی توهم احتیاط است نه اینکه احتمال عقلایی باشد و حسن احتیاط بیاورد.

چند مثال را اشاره می‌کنیم که روشن بشود احتمال موهوم در نزد عقلاء بلکه احتمال ساقط در نزد عقلاء یعنی چه؟

**مثال اول:** در عبادات یکی از مطالبی که در کلمات فقهاء متاخرا مورد بحث قرار گرفته است، نیت است.

نیت معنایش این است که انسان بداند چه می‌کند و غافل نباشد، این نیت می‌شود. برخی از فقهاء یک احتمالاتی را در نیت مطرح کرده‌اند که این احتمالات سبب احتیاطاتی شده است. آیا تفکر در متعلق، در نیت دخیل است؟ آیا اخطار به قلب، در نیت دخیل است؟ آیا تلفظ به عبارت، در نیت دخیل است؟

بعضی بوده‌اند - از عبارات فقهاء استفاده می شود - که به خاطر این احتمالات یا این احتمالات مختلف را در شروع عمل یکی یکی می خواستند انجام دهند یا گاهی عمل را تکرار می‌کردند به خاطر احتمالات در حالی که اعتبار نیت و عدم غفلت از عمل، «شی قیاساتها معها» بداند چه کار می کند همین کافیست.

لذا شما روایات مختلف را در ابواب مختلف عبادات ببینید وقتی اجزاء عبادات را می‌خواهند بیان کنند یک مورد نمی‌بینید که امام علیه السلام فرموده باشند نیت کنید. نیت یعنی انسان غفلت نداشته باشد.

عبارت صاحب مدارک را ببینید: «و بالجملة فالمستفاد من الأدلة الشرعية سهولة الخطب في النية، و أن المعتبر فيها قصد الفعل المعين طاعة للّه تعالى خاصة. و هذا القدر أمر لا يكاد ينفك منه عاقل متوجه إلى إيقاع العبادة. و من هنا قال بعض الفضلاء: لو كلف اللّه بالصلاة أو غيرها من العبادات بغير نية كان تكليف ما لا يطاق................ و لم يقل: فكّر في النية و لا تلفظ بها و لا غير ذلك من هذه الخرافات المحدثة.»[[2]](#footnote-2).

عبارت صاحب جواهر را ببینید: « نحو ما يصنعه بعض الناس عند إرادة النية للصلاة بناء على انه الاخطار من الأحوال التي تشبه أحوال المجانين.»[[3]](#footnote-3).

**مثال دوم:** در بحث حج که ما در بحث طواف بررسی کردیم، روایات می‌گوید «البدء بالحجر» واجب است طواف آغازش با حجرالاسود باشد طواف را از اینجا شروع کن. این معنایش این است که از ارکان دیگر طواف را شروع نکن و طواف از اینجا شروع کن.

از زمان علامۀ حلی این تشکیک وارد شده بعدا هم شدیدتر شده است «و بدء بالحجر یعنی اول جزء من البدن یعادل اول جزء من الحجر» اول جزء بدن با اول جزء حجر تقابل داشته باشد. حالا اول جزء بدن کجاست؟ بینی است، شکم است، انگشتان پا است؟ در حالی که مقصود از بدء به حجر این است که از اینجا طواف را شروع کن و از قبل یا بعد طواف را شروع نکن.

اینجا مسلم است اینگونه احتیاطات احتمال موهوم است عقلاً بلکه ردئ است این صحیح نیست.

مقدس اردبیلی که مرد احتیاط است، در فقه ما انسانی محتاط‌تر از مقدس اردبیلی شما پیدا نمی‌کنید در همین بحث می‌گوید: «و أظنّ انّ احداث مثل هذه الاحتمالات توجب الوسواس و تضيع الأوقات بتكرار الطواف مرّة بعد اخرى حتى يحصل ذلك كما فعلناه و رأينا كثيرا من الطلبة يفعل ذلك».[[4]](#footnote-4)

**مثال سوم:** در بحث حج روایت داریم شانه چپ به سمت خانۀ خدا باشد حالا ما تحلیل کردیم یعنی از این طرف طواف نکن، شانه راست به سمت خانه خدا نباشد. حالا با این چه مواردی درست کرده‌اند که لحظه‌ای شانه از سمت خانۀ خدا منحرف نشود.

احتمال وصول به واقع احتمال عقلایی باشد و احتمال مردود در نزد عقلاء نباشد. هذا تمام الکلام در مبحث شرایط جریان احتیاط.

**شرائط جریان برائت عقلی**

مورد دوم از اصول عملی برائت عقلی است. اصولیین برای اجرای برائت عقلی یک شرط ذکر کرده‌اند که چنانکه در آغاز این خاتمه اشاره کردیم اطلاق شرط اینجا مسامحی است، در حقیقت موضوعی که برائت عقلی را محقق می‌کند، آقایان تحلیل می‌کنند و آن موضوع این است که قاعدۀ قبح عقاب بلابیان که برائت عقلی است آنگاه جاری می‌شود که مکلف از بیان و دلیل فحص و جستجو کرده باشد و مأیوس شده باشد. جستجو چه مقدار باشد؟ بحث می‌کنیم. فعلا بحث در اصل لزوم فحص است.

بنابراین تا مکلف فحص نکند از بیان، مأیوس نشود از بیان، قاعدۀ قبح عقاب بلابیان جاری نیست.

دقت کنید برای لزوم فحص در برائت عقلی که محقق موضوع است به دو بیان دلیل بر این مدعا ذکر شده است.

**بیان اول:** گفته می‌شود مقننین عالم و قانونگذاران وقتی می‌خواهند قوانینشان را ابلاغ کنند به مردم، روششان این است که قوانینشان را در معرض وصول قرار می‌دهند نه اینکه به تک تک افراد ابلاغ کنند و از آنها امضاء بگیرند بلکه با روزنامۀ کثیر الانتشار قانون را در معرض وصول مردم می‌گذارند و این مردم هستند که با فحص و جستجو به قانون در معرض وصول خودشان را می‌رسانند.

شارع مقدس هم در روش ابلاغ بعث و زجر خودش طریق جدیدی را اعمال نکرده است، قوانین را یا در قرآن یا به توسط ابلاغ مبلغین در معرض وصول قرار داده است و این متدینین هستند که باید جستجو کنند و قانون در معرض وصول را به دست آورند.

اکنون که روش شارع این است سوال این است که چه زمان مکلف می‌تواند ادعا کند که بیان از سوی شارع بر حرمت شرب تتن نیست پس من عقلا آزادم و شارع نمی‌تواند عقاب کند؟

وقتی می‌تواند ادعا کند موضوع برائت عقلی محقق است که فحص کرده باشد.

اگر جستجو نکرده بود با اینکه روش شارع این است که به تک تک ابلاغ نمی‌کند و در معرض وصول است، نمی‌تواند ادعا کند موضوع بلابیان اینجا محقق شده است. بنابراین لسان بیان اول این است که اگر مکلف فحص نکند نمی‌تواند در تکلیف در معرض وصول ادعا کند بیانی از جانب شارع نرسیده است پس عقاب قبیح است. بیان دوم خواهد آمد.

1. - جلسه 34 – مسلسل 249– دو‌‌‌‌شنبه – 15/09/1400 [↑](#footnote-ref-1)
2. - مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام؛ ج‌3، ص: 311. [↑](#footnote-ref-2)
3. - جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج‌19، ص: 290. [↑](#footnote-ref-3)
4. - مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان؛ ج‌7، ص: 78. [↑](#footnote-ref-4)